

# رخدادهایی که از آینده می‌آیند

## محمدرضا تاجیک

يك- ژيژك مي‌گويد: گاه ريشه و عامل تروما در گذشته نيست، بلکه منشا آن «آينده» است. دريدا حادثه ۱۱ سپتامبر يا خطر استفاده از سلاح هسته‌اي را مثال مي‌زند. بسياري از تحليلگران و کارشناسان حادثه ۱۱ سپتامبر را يك رويداد خاص تاريخي دانسته‌اند. دليل اينکه ۱۱ سپتامبر به يك رويداد ويژه تبديل شده است را بايد در زمانمندی تروما (مصیبت، درد) جست‌وجو کرد. دليل اصلي هراس‌آور بودن و دردناک بودن اين حادثه اين نيست که اکنون در حال وقوع است يا در گذشته اتفاق افتاده است، دليل اصلي‌اش ترس ما از تکرار آن در آينده است. آينده منشا اصلي ترسها و خطرهابست. ۱۱ سپتامبر فقط علامت و هشداري است براي وقايع هولناک‌تر آينده. ما همواره در معرض تهديد حادثه‌اي ناگوارتر از حوادث گذشته در آينده هستيم. تروما ماهيتي زماني دارد (زمان در معنایي که هايديگر آن را در هستي و زمان مطرح کرده است) که با خطر، ترس و تهديد گره خورده است. زمانمندی از دید هايديگر با مساله ديگري نيز در پيوند است: به -سوي- مرگ بودن. مرگ اتفاقي است آينده و در آينده. به -سوي- مرگ بودن بر زماني بودن امور صحت مي‌گذارد، اتفاقي در آينده که کل گذشته و حال ما رو به سوي آن دارد. قضيه خطرات آينده در اينجا مطرح مي‌شود؛ امري از اساس غيرقابل محاسبه، غيرقابل پيش‌بيني و غيرمنتظره که موجوديت زنده و اکنون حاضر ما را هر آن به «مخاطره» مي‌افکند. اين امر ناممکن، تعريف‌ناپذير و تهديدکننده اکنون زنده امري است در-راه و آينده که از آن گريزي نيست. البته همين پيش‌بيني‌ناپذيري و مهارناپذيري که اکنون زنده را به خطر مي‌افکند خود شرط احساس مسووليت، برنامه‌ريزي و تصميم‌گيري است. آنچه مي‌آيد و در راه است با خطر و تهديد گره خورده است. آينده يعني خطر و تهديد. اين خطر و تهديد را مي‌توان به دو شکل نشان داد: به‌طور كلي و به‌طور خاص با رجوع به حوادث دردناک. امر برآشوبنده و غيرمفهومي در-راه به‌طور كلي موجوديت اکنوني را به خطر مي‌افکند. به همين دليل دريدا در يکي از مهم‌ترين آثار اوليه‌اش مي‌نويسد: «آينده را مي‌توان فقط در قالب يك خطر مطلق انتظار کشيد. همين خطر است که از امور قوام‌يافته معمول مي‌گسلد و تنها مي‌توان آن را به مثابه نوعي امر غول‌آسا و ترسناک

عرضه داشت و به گوش دیگران رساند.» به‌طور کلی آنچه در راه است و به مثابه بخش محوشونده رد از چنگ ما می‌گریزد، خود به صورت دیگری تام و تمام (the wholly other) به ما یورش می‌آورد. منظور از دیگری تام و تمام همه دیدگاه‌های متفاوت دیگری است که امکان به چالش کشیدن دیدگاه‌های ما را دارند، همه افراد یا حوادث دیگری که می‌توانند موقعیت ما را به خطر بیندازند.

دو- در این ساحت نظری می‌خواهم بگویم در فردای رخدادی که این روزها تجربه می‌کنیم، رخدادهایی در راهند و از این‌رو، آینده ممکن است به صورت يك دیگری تام و تمام نمایان شود. تنها راه مصون ماندن از چالش و هجمه بنافکن و شالوده‌شکن این دیگری تام و تمام، تن دادن به يك «رخداد قبل از رخداد» است. با بیانی پارادوکسیکال، فقط يك رخداد می‌تواند از رخداد در راه ممانعت کند. اما آن رخداد که می‌تواند مانع رخدادهای در راه شود، کدام است؟ بگذارید با رجوع به مفهوم «تکرار تفاوت» دلوز، تلاش کنیم پاسخی به این پرسش بدهیم. در نزد دلوز، تکرار نه به مثابه به یاد آوردن امر گذشته و به اجرا درآوردن آن، بلکه به مثابه جدا شدن و فرارفتن از آن است. به عبارت دیگر، تکرار به معنای وفاداری به تکانه خلاقی آنچه امری را در گذشته امکان‌پذیر ساخته، به حرکت درآورده و نهایتاً اجرائش کرده است.

پس، تکرار همان عقب‌نشینی به مبدا و نقطه صفر و حرکت کردن به گونه‌ای دیگر، از مسیر دیگر و پایین آمدن از قله کوه؛ نه به خاطر پذیرش شکست که به خاطر فتح کامل آن است. تکرار دوباره شکست خوردن است، بهتر شکست خوردن، دوباره امتحان کردن، بهتر امتحان کردن. شاید تنها این نوع «تکرار» است که می‌تواند از تکرار رخدادهایی همچون رخداد اخیر مانع شود. پس، عقل سلیم و معطوف به بقا، اصحاب قدرت امروز جامعه را بیش از همیشه به بازگشت به تکانه‌های اصیل انقلاب، یعنی عدالت، آزادی، برابری، کرامت انسانی، مردم‌سالاری و... بالا آمدن از قعر شب زیست جهان خود و پذیرش ناکامی‌ها و کژرویی‌ها و کژکارکردی‌ها و کژنگریستن‌ها می‌خواند.